

■ **احمد محمد تبریزی**

حاج‌محمدابراهیم همت نامی به بلندی تاریخ دفا‌ق مقدس است. سردی بزرگ که پژواک نامش ترس را بر دل دشمنان می‌انداخت و دل رزمندگان را گرم می‌کرد. سردی و مردانگی از وجودش می‌بارید. گویی آمده بسود تا در سال‌های سخت اول انقلاب، کارهای بزرگ انجام دهد. همت آدم کارهای بزرگ بود. همت‌به‌گوش‌مان می‌خورد، ناخودآگاه ذهنمان می‌رود به سوی فتح‌المبین، آزادی خرمشهر و کربلای طلائیه در عملیات خیبر. نمی‌شود این عملیات‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز را مرور کرد و یاد همت نیفتاد. او چکیده ایمان، خلوص، مظلومیت، شجاعت و ایثار رزمندگان بود. سیدمر تفضی او بینی در رئای حاج‌محمدابراهیم همت گفته بود این سردار فاتح خیبر، قلعه‌قلب مرانیز فتح کرده است. حاج‌همت، گوهری برای جبهه‌هایمان بود و پس از شهادتش تلاؤ این گوهر ناب همچنان بر ما می‌تابد.

■■■■

■ **نیوغ و شجاعت ابراهیم**

حاج‌احمد متوسلین در کردستان متوجه نیوغ، هوش و شجاعت شهید همت شد. حاج‌ابراهیم فرمانده سپاه پاه بود. لیاقت و غیرتش از همان جا عیان شده بود. حاج‌احمد می‌گفت فکر می‌کردم من ترس هستم ولی دیدم یکی روی دستم بلند شده و از من شجاعت تر است و او حاج‌ابراهیم همت است. حاج‌ابراهیم قبل از عملیات فتح‌المبین، به همراه حاج‌احمد متوسلین، از غرب کشور آمد و تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) با حضور او کارش را شروع کرد. دو فرمانده بزرگ در کنار همدیگر، یکی از قوی‌ترین لشکرهای ایران را در زمان جنگ تشکیل دادند. دو فرمانده بزرگ که در کنار هم دو عملیات مهم و سرنوشت‌ساز پشت دشمن را به زمین زدند تا حساب کار دست‌بعثی‌ها و حامیان‌شان بیاید. از همان‌جا شد همت شد حاج‌ابراهیم‌جبهه‌ای جنگ. نامش برای دشمنان نیز آشنا شد و یعنی‌ها می‌دانستند هر جا همت عمل کند، آنجا کار بزرگی صورت خواهد گرفت. در عملیات بیت‌المقدس با مجروحیت حاج‌احمد و شهادت محمود شهپازی و محسن وزوایی کار شهید همت چندین بار برآید شد. حساس بودن موقعیت و فشار زیاد کارها، حاج‌ابراهیم را کاملاً درگیر عملیات کرده بود. آزادی خرمنشهر تنها آزادی یک شهر نبود. آزادی این شهر که صدام کلبه‌بصره را به آن داد معادله صدام و حمایتش را تغییر داد.

■ **علی‌وار زیستن**

شهید همت در عملیات پیروزمند بیت‌المقدس در سمت معاونت تیپ محمد رسول‌الله(ص) فعالیت و تلاش تحسین برانگیزی را در شکستن محاصره جاده سلیمجه- خرمشهر انجام داد و می‌توان گفت که او و یگان تحت امرش سهم بسزایی در فتح خرمشهر داشتند و با اینکه منطقه عملیاتی دشت بود، شهید حاج‌مت با استفاده از بهترین تدبیر نظامی به نحو مطلوبی عملیات را فرماندهی کرد.رفتن حاج‌احمد به لبنان و اتفاقاتی که پس از آن به وقوع پیوست، سبب شد حاج‌ابراهیم بعد از عملیات بیت‌المقدس و با شروع عملیات رمضان فرماندهی تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) را به عهده بگیرد و با ارتقای این یگان به لشکر، در سمت فرماندهی آن لشکر انجام وظیفه کند.

نخستین اقدام شهید همت در این زمان، پس از پذیرفتن فرماندهی عملیات، نوشتن وصیتنامه است. فرمانده لشکر ۲۷ در وصیتنامه‌اش چنین می‌نویسد: «هر چه داریم از شهدا داریم و انقلاب

حاصل خون شهیدان است. هر شب ستارهای به زمین می‌شکند و باز این آسمان غمزده غرق ستاره‌هاست. مادر جان! می‌دانی تو را بسیار دوست دارم. همان سان که میدانی فرزندت چطور عاشق شهادت بود و به شهیدان عشق داشت… پدر و مادرا من زندگی را دوست دارم ولی نه آن قدر که آلوده‌اش شوم و خویش را گم و فراموش کنم. علی‌وار زیستن و علی‌وار شهید شدن، حسین‌وار زندگی کردن و حسین‌وار شهید شدن را دوست می‌دارم. مادر جان! به خدا قسم اگر گریه کنی و به خاطر من گریه کنی، اصلاً از تو راضی نخواهم بود. زین‌وار زندگی کن و مرا به خدا بسپار.»

■ **اخلاص فرمانده**

شهید همت در عملیات مسلم بن عقیل و عملیات محرم در سمت فرمانده قرا‌ز گاه ظفر، با دشمن جنگید. در عملیات والفجر مقدما‌تی، مسئولیت سپاه یازدهم قدر را که شامل لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص)، لشکر ۳۱ عاشورا، لشکر ۵ نصر و تیپ ۱۰ سیدالشهدا بود، به عهده گرفت. سرعت عمل و صلابت رزمندگان لشکر ۲۷ تحت فرماندهی او در عملیات والفجر ۴ قابل توجه بود. او در تصرف ارتفاعات کانی‌مانگا نقش ویژه‌ای داشت. شهید همت، فرماندهی بود که توانایی‌ها و امکاناتش را خوب می‌شناخت. او می‌توانست از ضعف‌هایش هم، قدرت بیافریند. او بهترین و مناسب‌ترین روش‌ها را برای جذب نیروها به کار می‌گرفت. مثل یک معلم بزرگ عمل می‌کرد. کارها را با دقت و صلاحت می‌انجام می‌کرد و در انجام کارها، کاملاً نظارت، پیگیری و همکاری داشت. در مورد مسائل

د

شهید همت در عملیات مسلم بن عقیل و عملیات محرم در سمت فرمانده قرا‌ز گاه ظفر، با دشمن جنگید. در عملیات والفجر مقدما‌تی، مسئولیت سپاه یازدهم قدر را که شامل لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص)، لشکر ۳۱ عاشورا، لشکر ۵ نصر و تیپ ۱۰ سیدالشهدا بود، به عهده گرفت

نظامی، یک فرمانده کامل بود. او، فرماندهی را به تجربه آموخته بود. وقتی نقشه عملیاتی را در بین فرماندهان ارتش و سپاه باز می‌کرد، با آگاهی و تسلط کامل آن را شرح می‌داد؛ چون خودش در تمام مراحل شناسایی، طراحی و اجرای عملیات، حضوری قتال و گسترده داشت. او عارفی وارسته، ایثارگری سلحشور و اسوهای برای دیگران بود که جز خدا به چیز دیگری نمی‌اندیشید و به عشق رسیدن به هدف متعالی و کسب رضای خدا، شب و روز تلاش می‌کرد و سخت‌ترین و مشکل‌ترین مسئولیت‌های نظامی را با کمال خوشرویی و اشتیاق و آرامش خاطر می‌پذیرفت.همسر شهید در باره عشق و علاقه حاج‌ابراهیم به شهادت می‌گوید: «یک بار شهید همت گفت من دو آرزو دارم؛ یکی شهادت است. این اولین آرزوی من است. آرزوی دوم من این است که لحظه‌ای بعد از امام(ره) نفس نکشم و این آرزوی دوم مهم‌تر از آرزوی اولم است. همیشه از خدا خواسته‌ام که مرا قبل از امام پیش خودش ببرد.»

■ **شبهه مالک اشتر**

سردار رحیم صفوی شهید حاج‌ابراهیم همت را این‌گونه توصیف می‌کند: «او انسانی بود که برای خدا کار می‌کرد و اخلاص در عمل از ویژگی‌های بارز اوست. ایشان یکی از افراد درجه اولی بود که همیشه مأموریت‌های سنگین برعهده‌اش قرار داشت. حاج‌همت مثل مالک اشتر بود که با خضوع و خشوعی که در مقابل خدا و در برابر دلاور مردان بسیجی داشت، در مقابله با دشمن همچون شیری غرّان از مصادیق «شده‌ا علی الکفار رحماء بینهم»



بود. همت کسی بود که برای این انقلاب همه چیز خودش را فدا کرد و از زندگی‌اش گذشت. او واقعا به امر ولایت اعتقاد کامل داشت و حاضر بود در این راه جان بدهد، که عاقبت هم چنین کرد. همیشه سفارش می‌کرد که دستورات را باید مویه‌مو اجرا کرد. وقتی دستوری هر چند خلاف نظرش به وی ابلاغ می‌شد، از آن دفاع می‌کرد. ابراهیم از زمان طفولیت، روحی لطیف، عبادی و نیايشگر داشت.»

روحیه ایثار و استقامت حاج‌ابراهیم شگفت‌انگیز بود. حتی حیره و سهمیه لباس خود را به دیگران می‌بخشید و با همان کم، قانع بود و در پاسخ کسانی که می‌پرسیدند چرا لباس خود را که به آن نیازمند بودی، بخشیدی؟ می‌گفت: «من پنج سال است که یک پر اکت دارم و هنوز قابل استفاده است!»

حاج‌ابراهیم اخلاص و غیرت را چنین توصیف می‌کرد: «خلوص به معنای پاک شدن درون است؛ یعنی بیرون راندن هواهای نفسانی از ذات، و قلب و درون انسان‌ها، پاک شدن درون. منتج به این نتیجه می‌شود که انسان از مهلکه «ایثار» برخوردار شود و اعمال او، رنگ «اخلاص» داشته باشد. پاک شدن درون، برای این است که انسان، متقی بشود و باور کند به جهاد فی سبیل‌الله.»

■ **جنگیدن عاشورایی**

در گیر و دار عملیات خیبر بود که شهید همت، در جمع فرماندهان گردان سخنرانی و برای روحیه دادن به آنها، بر لزوم ایمان و اخلاص در جبهه‌ها تأکید کرد. یکی از فرماندهان به نام حاج‌مثم



گفت حاجی من تعجب می‌کنم که شما با اینکه در تمام عملیات‌ها به طور مستقیم در خط مقدم حضور پیدا می‌کردید، چطور تا به حال حتی یک جراحت هم برنداشته‌اید. شهید همتّ خندید و گفت: «حق دارید تعجب کنید. آخر خبر ندارید قضیه‌ا از چه قرار است، من در مکه معظمه که بودم، از خدا خواستم که در این جنگ، نه اسیر بشوم و نه معلول و مجروح فقط زمانی که آن قدر شایستگی پیدا کردم که در صف بندگان صالح خداوند قرار بگیرم، آن وقت درجا شهیدم کند.»

نوبت به عملیات خیبر در اسفند ۱۳۶۲ رسید. یک عملیات سخت و سنگین برای رزمندگان؛ این عملیات با هدف دستیابی به جاده بصره- العمارة و تهدید و دستیابی به بصره آغاز شد. این هدف، بزرگ و مهم بود که دستیابی کامل به آن می‌توانست ایران را به خواسته‌هایش برای پایان جنگ برساند. منطقه عملیاتی خیبر، شمال بصره و مقابل استان‌های العمارة و بصره بود. دو محور هم داشت: یکی هورالپوזה و دیگری زید، قرار بود لشکر ۱۲۷ خشکی طلائیه حمله و به نیروهایی که نفوذ کرده بودند پشتیبانی برساند. ارتش بعث در ترس منطقه را زیر آتش سنگینی قرار داد. به فتنه‌شاهدان عینی و رزمندگان در منطقه عملیاتی طلائیه که عملیات خیبر و رمضان در آنجا انجام شد، به محدوده‌ای باریک، یک میلیون و ۲۰۰ هزار گلوله توپ و خمپاره شلیک شد که تلفات بسیاری را برجا گذاشت. حاج‌همت از پشت بیسیم به نیروهایش می‌گوید امروز عاشوراست و باید عاشورایی جنگیم.

■ **شهید بی‌سر**

عباس برقی، از نیروهای لشکر درباره این عملیات می‌گوید: «چه‌جا که به جاده بغداد- بصره رسیدند مجبور شدند عقب‌نشینی کنند. لشکر حضرت رسول قرار بود سه کنج طلائیه کار کند. یعنی می‌بخشید و با همان کم، قانع بود و در پاسخ کسانی که می‌پرسیدند چرا لباس خود را که به آن نیازمند بودی، بخشیدی؟ می‌گفت: «من پنج سال است که یک پر اکت دارم و هنوز قابل استفاده است!»

حاج‌ابراهیم اخلاص و غیرت را چنین توصیف می‌کرد: «خلوص به معنای پاک شدن درون است؛ یعنی بیرون راندن هواهای نفسانی از ذات، و قلب و درون انسان‌ها، پاک شدن درون. منتج به این نتیجه می‌شود که انسان از مهلکه «ایثار» برخوردار شود و اعمال او، رنگ «اخلاص» داشته باشد. پاک شدن درون، برای این است که انسان، متقی بشود و باور کند به جهاد فی سبیل‌الله.»

در برابر شهید لحظه شهادت حاج‌محمدابراهیم را چنین بیان می‌کند: «با توجه به این که حضرت امام(ره) فرموده بودندن جزار مجنون باید حفظ می‌گود یک گروهان نیرو به من بده، من امشب این خطا را تا صبح نگه دارم که فلان جای کشورم برای دافندن بیاید که قلب امام ما را نشکینم. امام دستور داده جزیره را براف حفظ کنیم هر جروی هست حفظ کنیم»

برادر شهید لحظه شهادت حاج‌محمدابراهیم را چنین بیان می‌کند: «با توجه به این که حضرت امام(ره) فرموده بودندن جزار مجنون باید حفظ می‌گود یک گروهان نیرو به من بده، من امشب این خطا را تا صبح نگه دارم که فلان جای کشورم برای دافندن بیاید که قلب امام ما را نشکینم. امام دستور داده جزیره را براف حفظ کنیم هر جروی هست حفظ کنیم»

برادر شهید لحظه شهادت حاج‌محمدابراهیم را چنین بیان می‌کند: «با توجه به این که حضرت امام(ره) فرموده بودندن جزار مجنون باید حفظ می‌گود یک گروهان نیرو به من بده، من امشب این خطا را تا صبح نگه دارم که فلان جای کشورم برای دافندن بیاید که قلب امام ما را نشکینم. امام دستور داده جزیره را براف حفظ کنیم هر جروی هست حفظ کنیم»

دوست را رها می‌سازد- رنگ پاییز■ ۱۵ - رفتاری مخالف و ناسازگار از خود نشان دادن

از بالا به پایین

■ ۱- سبکی در نقاشی که مخصوص ایرانیان است- جذاب■ ۲- از نام‌های خدا- نادیده گرفتن خطاهای کوچک در فوتبالت- هیبت‌اعزامی■ ۳- عنصر شیمیایی- گلخن حمام- شاهزاده‌خانم- حرف انتخاب■ ۴- داستان کوتاه- فیلم سعیداسدی■ ۵- ثروتمند- عملی در کشاورزی- از اسامی دختران■ ۶- از شهدای ارتش- ارث- طمعکار■ ۷- امت‌ها- سومین شهر بزرگ عراق- شیرانگور- رود جیحون■ ۸- درخت انگور- گناهی که در همین دنیا تقاص خواهد داشت- دانه خوشبو■ ۹- باغ غصب شده حضرت زهرا- گاز تنفسی- مادر بزرگ- از القاب اروپایی■ ۱۰- سردسته- خمخانه- سوغات زمین لرزه■ ۱۱- شهری نزدیک ناین- نویسنده گرگ بیابان- آخر و پایان■ ۱۲- از تیم‌های هاشمیان در فوتبال آلمان- زینت مساجد■ ۱۳- رئیس جیمز باند- زنجبیل شامی- شتر کش عرب- طلا■ ۱۴- رود رنگی- بهترین فوتبالیست جهان در سال ۱۹۹۴- میمون■ ۱۵- بعضی با آن هزار سودا دارند- کنایه از تحمل کردن غم و رنج بسیار است



۱۷ اسفند سالروز شهادت حاج‌محمدابراهیم همت، فرمانده رشید لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص)

علی‌وار زندگی کرد و حسین‌وار به شهادت رسید

یادکرد



۱۷ اسفند روز مقاومت و ایثار مردم پیرانشهر

روزی که ۹ هواییمای بعثی به جنگ مردم بی‌دفاع رفتند

■ **غلامحسین بهبودی**

۱۷ اسفند ۹۰۱۳۶۳، فروند جنگنده بعثی به شهر مرزی پیرانشهر حمله کردند و با مورد اصابت قرار دادن ۵۰ نقطه مسکونی این شهر، ۹۰ نفر از مردم غیرنظامی را به شهادت رساندند و همین تعداد را نیز مجروح کردند. واقعه ۱۷ اسفند ۱۳۶۳ پیرانشهر یکی از بزرگ‌ترین فجایعی است که جنگنده‌های بعثی در طول دفاع مقدس و در جریان بمباران مناطق غیرنظامی کشورمان رقم زده‌اند. از همین رو ۱۷ اسفند در دیباچه دفاع مقدس به عنوان روز مقاومت و ایثار مردم پیرانشهر نامگذاری شده است.

■■■■

■ **پیرانشهر مقاوم**

پیرانشهر یکی از شهرهای جنوبی استان آذربایجان غربی است که عمده مردم آن را هموطنان کرد تشکیل می‌دهند. این شهر به دلیل همجواری با کشور عراق و نیز به دلیل حملات ۶۶۳ نفر از اهالی این شهر شهید و ۳۹۴ پیرانشهر در تابستان سال ۶۲ مقارن با عملیات والفجر ۲ مورد هجوم بمب‌های شیمیایی دشمن قرار گرفت. بین تیرماه تا پایان پاییز ۱۳۶۲ منطقه پیرانشهر چندبار توسط توپخانه دشمن مورد حمله شیمیایی قرار گرفت که این حملات تا چهارم آذر ۱۳۶۲ ادامه پیدا کرد.

■ **۱۷ اسفند ۶۳**

هفدهم اسفند ۱۳۶۳، تنها دو روز قبل از شروع عملیات بدر در جبهه‌های جنوب، شهر پیرانشهر توسط ۹ فروند جنگنده دشمن به شدت بمباران شد. اما این بار با دفعات قبلی فرق می‌کرد!